

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان  
سال پنجاه و یکم، دوره جدید، سال هفتم  
شماره دوم (پیاپی ۲۶)، تابستان ۱۳۹۴، صص ۸۹-۱۰۸

## بررسی عملکرد مدارس ایرانیان مقیم عراق در دوره پهلوی اول

باقر علی عادلفر<sup>۱</sup> - محسن پرویش<sup>۲</sup>

### چکیده

روند تأسیس مدارس به شیوه نوین در اواخر دوره قاجار شتاب فزاینده‌ای به خود گرفت. این مدارس توسط تجار، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی تأسیس و اداره می‌شد. در دوره پهلوی اول تلاش گسترده‌ای برای دگرگون ساختن نهادهای فرهنگی کشور انجام شد. دگرگونی فرهنگی با رشد سریع نهادهای جدید و با هدف از هم پاشیدن نهادهای سنتی به وسیله دولت مواجه شد. از میان نهادهای فرهنگی بسیاری که در این دوره تأسیس شد، مدارس ایرانیان خارج از کشور بود. یکی از مهمترین آنها مدارس ایرانیان بین‌النهرین (عراق) بود. این مقاله درصدد است با تکیه بر اسناد و با روش توصیفی- تحلیلی به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: ۱- دلایل و عوامل تأسیس مدارس ایرانیان مقیم عراق چه بوده است؟ و چه تاثیری در ترویج زبان و ادبیات فارسی داشته‌اند؟ فرضیه پژوهش بر آن است که وجود مدارس ایرانی در عراق می‌توانست در ترویج زبان و ادبیات فارسی نقش مؤثری داشته باشد.

### واژه‌های کلیدی

مدارس ایرانیان، بین‌النهرین، قاجار، پهلوی

---

<sup>۱</sup> استادیار تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران b.adelfar@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران (نویسنده مسئول) mohsen.parvish@yahoo.com

## مقدمه

تعلیم و تربیت تا دوران سلطنت ناصرالدین شاه، به شکل مکتب‌خانه‌ها بوده است؛ اما بر اثر ارتباط با جهان غرب زمینه ایجاد و تاسیس مدارس به شیوه نوین به وجود آمد. گرایش جدی به نظام آموزشی نوین نیز بر اثر شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس بود که علت اساسی ناتوانی نظامی، سیاسی و اقتصادی خود را ضعف در دانش و فنون تازه می‌دید. نظام آموزشی نوین از آغاز تا واپسین روزهای سلطنت قاجاریه مراحل طی نمود و در نهایت، به تاسیس مدارس منجر شد. تاسیس مدارس به سبک جدید در ایران طی حاکمیت مظفرالدین شاه با سرعت بیشتری انجام گرفت. به‌رغم تلاش‌های انجام گرفته تا پایان سلسله قاجار، نظام یکپارچه آموزشی در سطح کشور شکل نگرفت. این تحول در دوره پهلوی اول با تصویب قوانین مربوطه در وزارت معارف، روند اجرایی به خود گرفت. این مدارس مختص به داخل کشور نیست؛ بلکه مدارس ایرانی در خارج از کشور نیز ساخته شده بود. بسیاری از تجار و دیپلمات‌های ایرانی در خارج به تاسیس مدارس اقدام کردند. بین‌النهرین یا همان عتبات عالیات به عنوان یکی از مراکز مهم علمی و مذهبی به شمار می‌رفت که عده زیادی از ایرانیان و علما مقیم آنجا بودند که توانستند به اتفاق کارگزاران دیپلماسی و تجار به تشکیل و تاسیس مدارس اقدام نمایند.

درباره مدارس ایرانی عراق و نحوه شکل‌گیری و عملکرد آنها، مقاله یا پژوهش علمی مستقلی انجام نشده است. تنها مسعودی کوهستانی نژاد در کتاب *چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم* به صورت بسیار مختصر به آن اشاره‌ای می‌کند؛ بنابراین، اهمیت و ضرورت این مقاله بیش از پیش نمایان می‌شود. این مقاله وضعیت این مدرسه را از

دیدگاه چگونگی راه اندازی، هدف‌ها، فعالیت‌ها و مشکلات، تا زمان تعطیل شدن بررسی می‌کند. در همین راستا، ابتدا به صورت اجمالی به نظام آموزشی در دوره قاجار و پهلوی اشاره می‌کنیم و سپس با استفاده از منابع و اسناد و مدارک موجود، مدارس ایرانی عراق را شرح می‌دهیم.

## نظام آموزشی در دوره قاجار و پهلوی

نظام آموزشی در ایران تا زمان تاسیس دارالفنون به شکل سنتی رواج داشت. در این نظام معلمان همان علما و روحانیون بودند. بعضی از مواد درسی عبارت بود از: مختصر سواد خواندن و نوشتن و دانستن احکام مقدماتی شرع و حفظ کردن چندسوره از قرآن. به این ترتیب، شکلی از آموزش در راستای احکام دینی توسط علما اتخاذ می‌شد که حافظه فرد می‌بایست آنچه را از سوی معلم آرایه می‌کرد، از طریق تکرار دسته جمعی به خاطر می‌سپرد. (سرمد، ۱۳۷۲: ۹۰) به گفته عین‌السلطنه: «معلمان همان آخوندها بودند...» (عین‌السلطنه ۱۳۷۹: ۱۰/۷۹۱۹). مقدمات طب و حساب بنا به ضرورت نیاز جامعه بود. مکتب‌های ابتدایی عبارت بود از دهک‌هایی که در بازارها و سرگذرها و گاهی در مسجدهای کوچک برای تعلیم کودکان دایر بود (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۸۰). از سویی مکتب‌داران معلمانی بودند که خود معلومات و سواد کافی نداشتند و در آنجا بیشتر به آموزش احکام مذهبی، خواندن قرآن می‌پرداختند (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ۱۰). مکتب‌خانه‌ها تحت هیچ نوع ضابطه رسمی و دولتی قرار نداشتند و دولت هیچ نظارت و دخالتی در امر آموزش اعمال نمی‌کرد. آنها برای تامین مخارج خود به امور دیگر می‌پرداختند. آنهایی که بزرگتر بودند، از طرف مکتب‌دار به نام خلیفه مامور تعلیم کوچکترها می‌شدند

(صدیق، ۱۳۱۹: ۵۰۴).

مشروطه، مانند: مجلس، دولت، احزاب و انجمن ها در جهت گسترش و همگانی شدن نظام آموزشی اقداماتی انجام دادند و آن را از حالت سنتی و وابسته به اراده افراد بیرون آوردند و هر چند با مخالفت های داخلی و خارجی روبه رو شدند؛ ولی توانستند نظام آموزشی را بر پا دارند، که اراده افراد سبب تزلزل آن نگردد. در سال ۱۳۲۹ هجری قمری قانون اساسی معارف در ۲۸ ماده به تصویب رسید که تعریف مکتب و مدرسه، ضرورت پروگرام مدرسه و مکاتب توسط وزارت معارف، اجباری بودن تعلیمات ابتدائیه در خانه یا مدرسه، انواع مدارس رسمی و غیررسمی با لزوم اطاعت دولت از ایجاد مدارس توسط اشخاص و شرایط بانیان مدارس، ممنوع بودن تنبیه بدنی و ... از مهم ترین عنوان های این مواد بود. از پیامدهای مثبت رواج آموزش و پرورش نوین، ترویج نسبی بهداشت و روش های پیشگیری از ابتلا به امراض و تأسیس بیمارستان نظامی و عمومی برای نخستین بار در تاریخ کشور را می توان نام برد. به منظور اجرای این امر در ۱۳۰۶ ش مجلس شورای ملی بودجه وزارت فرهنگ را افزود. در دوره پهلوی اول تلاش شد تمام ایرانیان، بدون وابستگی های منطقه ای یا مذهبی، تحت سلطه قدرت مرکزی درآیند، و همه آن ها در جهت تقویت و تحکیم فرهنگ و ملیت ایرانی به ایفای نقش پردازند. برای رسیدن به این هدف، آموزش عمومی و اجباری به عنوان ابزاری مهم مورد توجه بود. دولت پهلوی اول، سیستم واحدی برای برنامه ها و کتاب های درسی، امتحانات و غیره تدارک دید و برای تحقق آن، معیارهایی تعیین نمود تا ضمن اجرای دقیق این برنامه ها باشد. در ضمن، در سراسر آموزشگاه ها و مدارس کشور سازماندهی لازم برای یک نظارت جدی و منظم به عمل آمد (نعمتی وادوای، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

دگرگونی در نظام آموزشی و پیدایش مدارس جدید در دوره قاجار منشا یک سری تحولاتی در ایران شد که یکی از آنها اقتباس نظام آموزشی نوین از اروپا و تلاش شاهان، به ویژه شماری از دولتمردان برای گسترش آن بود. آغاز این تحول را می توان با تأسیس دارالفنون مقارن دانست. دارالفنون در پیشرفت تعلیم و تربیت و اخذ علوم و فنون در ایران مؤثر افتاد و به گروه انبوهی از جوانان فرصت داد تا در راه اصلاح کشور قدم بردارند. در حقیقت، اولین مدرسه به سبک جدید بود که امیرکبیر تلاش داشت با کمک استادان خارجی به کادرهای آینده دولت آموزش مدرن بدهد (دیگار، ۱۳۷۷: ۱۰۵). اگرچه بسیاری از شاگردان این مدرسه در رشته تخصصی خود مشغول به کار نشدند و در پستخانه و تلگرافخانه به کار گماشته شدند (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۷).

اولین مدرسه به سبک جدید در مقطع ابتدایی (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۶۴: ۱۱) توسط میرزا حسن رشیدیه تأسیس شد که جنبه خصوصی داشت. به همین خاطر، او را بانی مدارس نوین در ایران می خوانند (رشیدیه، ۱۳۶۲: ۲۵). نظام آموزشی ایران پیش از مشروطه، نظامی سنتی بود که برنامه و مواد آموزشی آن با مقتضیات سنی افراد تطابق نداشت. آشنایی با تمدن اروپایی سبب تکاپو در ایرانیان و استفاده از نظام آموزشی شد. این مساله و اعزام دانشجویان به خارج، تغییراتی را در نظام آموزشی به وجود آورد و به احداث مدارس به سبک نوین منجر شد؛ اما این جریان با مخالفت هایی روبه رو شد و موجب تقابل و چالش موافقان و مخالفان ورود نظام آموزشی جدید شد. انقلاب مشروطه، بر تمامی جوانب زندگی سیاسی و اجتماعی ایران، تاثیر گذاشت. نهادهای رسمی و غیررسمی برآمده از

## مدارس بین‌النهرین از بدو تاسیس تا سفر رضاشاه به عراق

پس از اعلان مشروطیت یک حسن وطن خواهی و معارف پروری در بعضی از ایرانیان مقیم بین‌النهرین ایجاد شده بود که با تشویق و ترغیب آخوند و آقامیرزا مهدی آیت‌الله‌زاده خراسانی که مشوق حقیقی بودند، مدارس بنا شد. حضور ایرانیان در عتبات، به‌ویژه اقامت علما و ایرانیان فارسی زبان در مدارس، سبب رواج هر چه بیشتر زبان فارسی در برخی از شهرهای عتبات شده بود. حکومت تازه تاسیس عراق که دست‌نشانده بریتانیا بود، می‌کوشید یک نظام سیاسی در متصرفات پیشین عثمانی به وجود آورد؛ اما ارتباط نیرومند معنوی و اقتصادی مردم بین‌النهرین و عتبات عالیات با شیعیان ایرانی را مخالف بنیان‌های جدید حکومت خود می‌دید؛ بنابراین، هر آنچه را با ایران در ارتباط بود نفی می‌کرد. یکی از این موارد، مدرسه‌های ایرانی در عراق بود. دولت عراق در این زمینه به مدرسه‌هایی مانند مدرسه علوی در نجف اشرف، مدرسه حسینی در کربلا، مدرسه شرافت ایرانیان در بغداد، مدرسه اخوت در کاظمین و مدرسه ای در بصره که ویژه ایرانیان بود، توجه کرد. این مدارس یا مستقیماً زیر نظر دولت ایران اداره می‌شد و یا به‌طور غیرمستقیم با بهره‌مندی از کمک‌های مالی، تاسیس و به کار مشغول شد. در سال‌های متقارن تاسیس حکومت عراق، فعالیت اندک مدارس دچار رکود شده و متعاقباً وضعیت آموزشی اتباع ایرانی مقیم بین‌النهرین دچار بحران گردید (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

گزارش سرکنسولگری ایران در بغداد در خرداد ۱۳۰۲ تصویری گویا از این بحران ترسیم می‌کند: «متأسفانه، در بین‌النهرین به واسطه اینکه تاکنون به تربیت نوباوگان ایرانی توجهی نشده، ایرانیان ساکنین صفحات کم‌کم و رفته‌رفته به واسطه تغییر محیط، احساسات

ایرانیّت و قومیت خود را از دست داده و می‌دهند... گمان می‌کنم که در بین‌النهرین به همین لحاظ که اکثریت آن ممکن است یک روز ایرانی شوند، برای جلوگیری از این پیشامد همیشه ساعی و جاهد بوده‌اند که اخلاق، آداب و زبان ایرانیان مهاجر را مطابق با بومی‌های این ناحیه نموده باشند و به این مقصود هیچ وقت اجازه نداده‌اند که در یکی از مدارس محلی و بومی هم درس فارسی تدریس شود.» (همان: ۲۱۴).

همان‌طور که گفته شد، مدارس ایرانی به سبک نوین در عتبات پنج باب بود که البته ده یا پانزده مدرسه هم به سبک قدیم در کربلا و نجف بود که شاگردان آنها مخلوطی از ایرانی و عرب بودند. این مدارس عبارت بودند از:

۱- مدرسه اخوت کاظمین که در تاریخ ۱۳۲۴ ق. به اهتمام جناب حاج میرزا علی اکبر اهرابی تاسیس شده بود و تحت نظارت چند نفر تجار ایرانی مقیم کاظمین اداره می‌شد و نزدیک به ۱۳۰ نفر شاگرد داشت (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۹: ۲۹۷/۳۸۳۸۴). مدرسه اخوت کاظمین در اوایل سال ۱۳۰۹ ش. دارای ۱۰ معلم و ۱۹۶ شاگرد بود. این مدرسه بر سایر مدارس برتری داشت و علت آن هم این بود که اولاً به بغداد نزدیک بود و ثانیاً مدیر آن حاج میرزا علی اکبر اهرابی بوده که از تجار ایرانی و شخص لایق و قابل بوده و تمام اوقات خود را صرف پیشرفت امور مدرسه می‌کرده است؛ به طوری که فارغ‌التحصیلان آن، در مدارس محلی بین‌النهرین با حقوق کافی به معلمی می‌پرداختند.

۲. مدرسه علوی در نجف اشرف که به تاریخ ۱۳۲۵ ق. به اهتمام آیت‌الله خراسانی تاسیس یافته بود. این مدرسه هم نزدیک به ۱۳۰ شاگرد داشت (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۹: ۲۹۷/۳۸۳۸۴) که تا سال ۱۳۰۹ ش. به ۹ معلم و ۱۵۷ شاگرد افزایش یافته بود (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۱۱: ۳۰۸-۲۶-۱۳۱۱)

از سوی وزارت معارف پرداخت اعانه صد تومانی به هریک از این مدارس اختصاص یابد. البته، این اعانه می‌بایست در قسمت زبان و ادبیات، تاریخ و جغرافیای ایران مطابق با پروگرام وزارت معارف در مدارس صرف و مخصوصاً زبان فارسی در آنجا ترویج شود(همان).

دولت ایران برای یاری رساندن به آموزش ایرانیان در بین‌النهرین کمک هزینه‌ای را تصویب کرد؛ اما این مسئله موجب حساسیت دولت عراق شد. گزارش‌های موجود حاکی از رفتار نامناسب دولت عراق در سال ۱۳۰۲ ش. با مدارس ایرانی بود. دولت عراق در امور مربوط به مدارس ایرانی به صورت غیرقانونی مداخله می‌کرد و مشکلاتی را برای این مدارس به وجود می‌آورد ( سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۲: ۴۱۱۷۳/۴۱۱۷۳). روزنامه *الاستقلال* چاپ بغداد در آبان ۱۳۰۲ به این امر واکنش نشان داد و در مقاله‌ای با نام «حکومت ایران و عراق، تزییقاتی که متضمن معنی است» به کار دولت ایران و این مدرسه‌ها حمله کرد و از اولیای حکومت عراق خواست مدرسه‌های بیگانگان را بیشتر کنترل کند؛ زیرا « همه ما می‌دانیم که مالیه ایران به غایت در عسرت و اهالی آن پریشان‌اند. در حال، از اولیای امور حکومت خودمان تقاضا می‌نماییم که نسبت به مدارس رسمی و غیررسمی ما کمال توجه را نموده و نگذارند از مدارس اجانب که مقاصد سیاست خودشان را به عمل آورده‌اند، پست‌تر باشند. به وزارت معارف نیز آگاهی دهند که نسبت به مدارس مزبور بیش از پیش مراقبت نمایند» (سند شماره ۱).

یکی از مسائل دیگری که بر عملکرد مدارس ایرانی بین‌النهرین در سال ۱۳۰۲ ش. تاثیر گذاشت، خبر تحریم مدارس از سوی آیت‌الله نائینی در عتبات عالیات بود که آیت‌الله‌زاده خراسانی نامه‌ای مبنی بر تکذیب تحریم مدارس نگاشت تا این مدارس بتوانند

۳- مدرسه حسینی در کربلای معلی که در تاریخ ۱۳۲۷ ق. با سعی و کوشش انجمن ایرانیان تاسیس شده بود و ۱۰۰ نفر شاگرد داشت. این مدرسه دارای یک اتاق ابتدایی و پنج کلاس بود( اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۱: ۱، ۱۲ و ۲۳). شمار معلمان و دانش‌آموزان این مدرسه در سال ۱۳۰۹ ش. به ۷ معلم و ۱۲۳ شاگرد افزایش یافته بود.

۴- مدرسه شرافت در بغداد که در تاریخ ۱۳۳۷ ق. به اهتمام تجار ایرانی مقیم بغداد تاسیس شده بود و تحت مراقبت و نظارت انجمن مخصوص مدرسه مزبور و نظارت جنرال قونسولگری در بغداد اداره می‌شد که ۱۳۰ شاگرد هم داشت( سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۷: ۲۹۷/۳۸۳۸۴) که «چون عایدات آن خیلی کم و کفایت مخارج آن را نمی‌کرد، ناچار تفصیل به وزارت جلیله عرض و به تصویب وزارت معارف امری صادر شد که تمبر یک قرانی به اسم تمبر خیریه ترتیب دهد و بر هر تذکره الصاق و یک قران اضافه بر وجه تذکره دریافت شود و از آن تاریخ تاکنون از همان قرار معمول و مدرسه مزبوره اداره می‌شود» (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۱: ۶، ۷، ۲۸ و ۳۲).

مدرسه شرافت بغداد در ابتدای دوره پهلوی ۶ عدد کلاس و نزدیک به ۱۲۸ شاگرد داشت(اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۱ ق: ۱۲، ۲۰ و ۳۱). حیاط مدرسه نسبتاً وسیع؛ ولی بسیار مخروبه و کلاس‌ها هم تاریک بود. نایب مدیر مدرسه، سید حسن افندی شخصی عرب بود.

۵- مدرسه پهلوی در بصره

سرکنسول ایران در بغداد از وضعیت بد مدارس پنجگانه در بین‌النهرین انتقاد کرده و ضمن تذکر خواستار کمک وزارت معارف به مدارس مذکور شده بود ( اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۲: ۳۳-۶۷). همچنین، درخواست‌های دیگری از سوی دیگر مقامات و ماموران سیاسی مبنی بر کمک به این مدارس باعث شد

سیر و روند خود را ادامه دهند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۴۴۹).

مدارس پنجگانه ایرانیان در بین‌النهرین که در شهرهای بغداد، بصره، کاظمین، کربلا و نجف دایر شده بود، از سال ۱۳۰۷ ش مستقیماً در تحت نظر دولت علیه ایران اداره می‌شد؛ اما به دلیل عدم پشتیبانی و نداشتن عایدی مرتب از طرفی و مزیت مدارس محلی عراق بر این مدارس از طرف دیگر نزدیک بود که در سال‌های بین ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ ش. آخرین یادگار همت ایرانیان آن سامان محو و نابود گردد (اطلاعات، ۱۳۰۹: ۲).

در پی مسافرت رضاشاه در سال ۱۳۰۶ ش به عراق، مدارس بار دیگر از رونق نسبی برخوردار شد. وی مقرر کرد که به هریک از این مدارس ماهیانه یکصد تومان از طرف وزارت معارف داده شود تا بتوانند یک سرو سامانی به خود بدهند (همان). ترقی روزافزون معارف عراق و کسر بودجه مدارس ایرانی و نبودن وسایل پیشرفت و احتیاج مبرمی که برای هم‌رنگ شدن با مدارس محلی لازم بود، ایرانیان حساس آن جا را به جنبش درآورده بود. نمایندگان وزارت خارجه اهمیت مدارس را توسط وزارت مطبوعه خود به وزارت معارف گوشزد نموده و تقاضای استمداد و کمک‌های بیشتری نمودند تا اینکه در ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۰۷ از طرف وزارت معارف، آقای سعیدی، مفتش مدارس خارجه به همراهی میرزا احمد خان امین که اطلاعات محلی کامل داشتند، مامور بازدید مدارس گردیده و به عراق مسافرت و احتیاجات و نواقص مدارس را جزء به جزء و با دقت رسیدگی و پس از تقدیم راپرت تشکیلات مقدماتی آن مدارس خاتمه یافته و در تحت نظر قنصل‌های محلی مدارس با بودجه کافی اداره می‌شد (همان).

علاوه بر این، ژنرال قونسولگری، سابقاً درصدد برآمده بود که یک باب مدرسه به نام افتخار ایرانیان برای تربیت اطفال آنها باز کند؛ ولی چون اداره کردن آن خیلی مشکل بود، از آن صرف نظر نمود. درکل، وضعیت این مدارس امیدبخش نبود؛ زیرا نه پروگرامی داشتند و نه کتاب‌های فارسی کلاسیکی که اطفال را به زبان فارسی تعلیم و تدریس کنند و نه عایدی درستی که بتوان آن مدارس را به خوبی اداره کرد. در هر حال، تمام این مدارس به واسطه نداشتن عایدی در حال از بین رفتن بودند. به عقیده فدوی، سرپرست مدارس ایرانی بهتر است که خود دولت اداره این مدارس را در عهده گرفته و مراقبت تامه را نسبت به آنها به عمل آورد؛ اما برای اینکه دولت می‌توانست این کار را به خوبی از عهده آن برآید، باید یک سری بسترهایی را فراهم می‌کرد: اولاً لازم بود که دولت برای هر یک از این مدارس اقلماً سالی یک هزار و دویست تومان مقرر و جزو بودجه وزارت معارف منظور نماید و فقط یک نفر مدیر کل که از طرف وزارت معارف معین می‌شد و می‌توانست تمام این مدارس را اداره کند و نظر به اینکه عتبات عالیات مرکز علم و علمای اعلام است، شخص مدیر باید از هر جهت آراسته و کامل باشد و تمام این مدارس را از روی پروگرام وزارت معارف اداره کند. به عقیده فدوی «بر اولیای دولت علیه لازم است که توجهی درباره این مدارس بفرمایند که بالاخره بسته نشده و اسباب سرشکستگی برای ایرانیان فراهم نشود. مجدداً معروض می‌گردد که خانه‌های این مدارس تماماً کرایه است؛ مگر خانه مدرسه کاظمین که زمین آن را والده سلطان محمدشاه آقاخان به مدرسه تبرع کرده و عمارت آن هم از پول اعاناتی است که جمع شده است» (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۰۱: ۷ و ۶-۲۸-۳۲-۱۳۰۱)

## وضعیت آموزشی، اداری و مالی مدارس ایرانی در

### بین‌النهرین

شاگردان مدارس ایرانی بین‌النهرین عموماً شیعه مذهب بودند؛ اما در مدرسی که در عتبات مثل مدرسه علوی نجف قرار داشتند، شاگردان عراقی هم در کنار

دانش‌آموزان ایرانی مشغول به تحصیل بودند؛ برای مثال، مدرسه علوی نجف در سال ۱۳۰۷ شمسی آمار دانش‌آموزان آن این گونه بود (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۷: ۲۹۷/۲۸۰۸۸):

اسامی کلاس‌های مدرسه	شاگردانی که ثبت دفتر مدرسه شدند.	شاگردانی که از دفتر مدرسه خارج شدند.	موجودی شاگردان در آخر ماه	دیانت شاگردان	تابعیت ایرانی	تابعیت عراقی	تابعیت سایر
کلاس تهیه	۴	-	۶۱	شیعه مذهب	۵۷	۴	-
کلاس اول	-	۲	۱۷	"	۱۷	-	-
کلاس دوم	-	۲	۱۴	"	۱۴	-	-
کلاس سوم	-	-	۱۰	"	۱۰	-	-
کلاس چهارم	-	۲	۷	"	۷	-	-
کلاس پنجم	-	-	۶	"	۳	۳	-
کلاس ششم	-	-	۶	"	۵	۱	-

### ۱. تدریس به زبان فارسی در مدارس ایرانی

از آنجا که فلسفه وجودی مدارس ایرانی ترویج زبان و ادبیات فارسی می‌باشند، بدون تردید، باید زبان غالب و رایج در این مدارس نیز فارسی باشد؛ اما گاهی پیش می‌آمد که زبان عربی زبان غالب در این مدارس می‌شد. به همین خاطر، عده‌ای نسبت به این امر واکنش نشان می‌دادند. به عنوان نمونه، در ۲۲ فروردین ۱۳۱۰ مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات منتشر شد که واکنش‌هایی را به دنبال داشت. این مقاله که توسط شخصی به نام شکبیا نوشته شده بود، از تدریس زبان عربی در مدارس فارسی زبان اظهار نگرانی کرده بود. در این مقاله آمده بود: «...نقیضه که موجب تشویش خاطر علاقه‌مندان به حفظ استقلال ملیت ایران گردید استیلای زبان عربی در مدارس ایرانی بین‌النهرین است تا به حدی که اطفال ایرانی با همدیگر به زبان عربی گفتگو می‌کردند بلکه معلمین آنها

هم که ایرانی هستند، به عربی متکلم می‌باشند.

او می‌گفت با این دلایل و قرائن معلوم می‌شود که تدریس و اهمیت زبان فارسی در مدارس ایرانی عراق نزدیک به صفر است. با این ترتیب، غرض اصلی از افتتاح مدارس ایرانی در بین‌النهرین تامین نگرديده و نظریه دولت عملی نشده است. بدیهی بود که ایرانی‌های مقیم عراق باید به قدر لزوم عربی بدانند؛ ولی نه تا این اندازه که زبان مادری را محو و نابود سازد (اطلاعات، ۱۳۱۰: ۲).

اما کفیل مدرسه پهلوی بصره به این مقاله واکنش نشان داد و معتقد بود که بعضی از محصلین به عربی صحبت می‌کنند و آن هم دلیل دارد: «...با اینکه تصدیق می‌کنم بعضی از محصلین مدرسه عربی حرف می‌زنند؛ ولی چندین سبب دارد...: یکی آنکه مدرسه پهلوی در جایی واقع است که باید با مدارس که پانزده سال یا بیست

سال از تاسیس آنها می‌گذرد و دارای نام و شهرت شده‌اند، ایستادگی و برای خود یک موقع ادبی ممتاز و آبرومندی را اتخاذ نماید. دوم آنکه مدرسه هر محصلی را صرف نظر از جنسیت و تابعیت او قبول می‌کند؛ از این جهت، عده زیادی از محصلین عرب زبان دارد که اساساً لغتی غیر از عربی نمی‌دانند. با وجود این، کارکنان مدرسه مسأله ترویج زبان ملی را همیشه در نظر داشته و دارند و از آن هیچ وقت غفلت نمی‌کنند؛ ولی باز مدتی طول می‌کشد تا به مقصود و مرام برسند... سیم آن که مدرسه عده‌ای از محصلین جدیدالورود دارد که از سایر مدارس عراقی به این مدرسه انتقال یافته‌اند و در آن مدارس نیز زبانی که بیاموزند، معلم ناچار باشد با آنها به عربی تکلم کند جای هیچ تعجیبی نیست...

به هر حال، می‌بایستی شکبیا شویم تا به مرام و مقصد برسیم و الا بیم آن می‌رود که تعجیل در بعضی امور نتیجه معکوس بخشد...» (اطلاعات، ۱۳۱۰: ۲)

حتی سروده‌های ایرانی برای خواندن در مدارس ایرانی انتخاب می‌شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۲: ۲۹۷/۲۸۰۴۸) و بر تاسیس مدارس ایرانی و ترویج زبان فارسی در بین‌النهرین و زبان و لهجه‌های محلی و قومی و لزوم کمک به مدارس مزبور برای انجام این امور تأکید زیادی می‌شد (همان، ۲۹۷/۳۹۰۸۳)؛ اما گاهی مواقع دولت عراق مشکلاتی برای این مدارس به وجود می‌آورد. گزارش سفارت ایران در بصره راجع به وضعیت آموزشی مدارس عراق و عدم پذیرش دانش‌آموزان ایرانی در مدارس آنجا از سوی دولت عراق خود به روشنی گواه این مطلب است (همان: ۲۹۷/۱۹۷۰۳). البته، زمزمه‌های مخالفت با زبان فارسی بعدها هم در روزنامه‌های بغداد منعکس شد. روزنامه *النشئه الاسلامیه* چاپ بغداد در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۱۷ در مقاله‌ای با نام «زبان ما در کربلا» به

استفاده کنندگان زبان فارسی حمله کرد و استفاده از آن را نافی هویت عربی دانست و نوشت: «...در آن شهر فامیل‌های عربی اصیلی از نسل علوی هاشمی زندگانی می‌نمایند که اگر با آنها صحبت کنید، با این زبان خارجی (یعنی فارسی) پاسخ می‌دهند و اگر بخواهید که به زبان اجداد و پدران خود گفتگو نمایند، در جواب به زبان رکیک و مبتذلی که آثار عجمه از آن ظاهر است، اظهار می‌دارند که کلیه نوکران و دایگان ما به همین زبان صحبت می‌کنند. چه عذر غیر مشروعی و علت پستی است.» (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۷ ش، کارتن ۱۶، پوشه ۱۱)

سفارت ایران نیز گسترش زبان فارسی را در عتبات تأیید کرد و در سال ۱۳۱۷ ش. در گزارشی به وزارت امور خارجه نوشت: «... به اندازه‌ای عده ایرانیان مقیمین کربلا زیاد است که حتی اعراب و خانواده‌های مهم کربلا هم به زبان فارسی صحبت می‌دارند و عرب‌هایی که بخواهند به زبان عربی صحبت کنند، لهجه آنها مخلوط به فارسی است و از این جهت، جراید عراق گاه و بیگاه از این وضعیت انتقاد می‌نمایند.» (همان)

## ۲- مدیران و معلمان مدارس

مدیران و معلمان این مدارس به استثنای پنج نفر از معلمان مدرسه شرافت در بغداد، بقیه همه ایرانی و تبعه ایران بودند که رسماً به فارسی تدریس می‌کردند. این مدارس دارای پنج کلاس بود. برنامه آنها عین پروگرام وزارت معارف ایران بود. فقط تغییرات جزئی در آن وجود داشت که آن هم در وقت و زمان کلاس‌ها بود و محل مدارس غیر از مدرسه اخوت که در ملک خود مدرسه بود، بقیه همگی کرایه بود. در باب کتاب‌های این مدارس باید ذکر کنیم که همگی کتب دروس غیر از صرف و نحو، همه فارسی و از کتاب‌هایی بود که سابقاً در تهران از کتب مدارس جدید درخواست شده بود. نکته قابل توجه این است که از اطفال شیوخ و



یکی از مسائل مهم در این مدارس بحث به‌کارگیری و استخدام معلمان عراقی بود که کنسول ایران در بصره با استخدام معلمان عراقی برای مدارس ایرانیان مخالفت می‌نمود؛ زیرا این مساله چند عیب داشت: یکی آن که معلم عراقی خود را چندان به مدرسه ایرانی علاقه‌مند ندانسته و چنانکه شاید و باید، مدرسه از وجود او استفاده نخواهد کرد؛ ثانیاً محل اطمینان نبوده، ممکن است گذشته از تفهیم افکار شاگردان در مدرسه هر اتفاقی یا گفتگویی بشود، به خارج راپورت بدهد و مدرسه را در نظر عراقی‌ها مرکز تبلیغات ایرانی جلوه داده و اسباب زحمت بشوند. از این میان، بعضی از مدارس نیز بود که تمامی معلمان آن ایرانی بودند. به عنوان نمونه، معلمان و مستخدمان مدرسه علوی نجف به این شرح بودند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۸: ۲۹۷/۲۸۰۸۸):

رؤسای عرب که جزو مدارس ایرانی نبوده، فقط در مدرسه شرافت در بغداد جمعی از اطفال اعراب شیعی بودند. از میان مدارس ایرانی فارغ‌التحصیلان زیادی وجود داشتند که بعضی از آنها در خدمت معارف بین‌النهرین بودند و بعضی هم مشغول به امر تجارت بودند. مخارج هر یک از مدارس هر ماه قریب ششصد روپیه بوده که از هر شاگرد دو روپیه و نیم الی یک روپیه ماهیانه گرفته می‌شد و غیر از مدرسه اخوت، سایر مدارس ایرانی در هریک، ده الی چهل نفر مجانی بودند و هرچه کسر مصارف ماهیانه مدارس می‌شد، به طریق اعانه جمع می‌کردند؛ برای نمونه، مدرسه اخوت «نظر به اینکه چون تمام مدارس حکومت مجانی و هرگاه از آنها مطالبه ماهیانه بشود، به واسطه اینکه همه اطفال و اشخاص بی بضاعت و فقیر هستند، طبعاً مدارس باید آنها را مجانی آموزش بدهند». (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۵: ۲۹۷/۳۸۳۸۴)

اسامی معلمان و مستخدمان	سمت	مقدار حقوق به روپیه	تابعیت	ملاحظات
آقاسیدجعفر کاشانی	مدیر	۱۰۰	ایرانی	انگلیسی-اخلاق
آقا مرتضی علائی	معلم	۵۰	ایرانی	اشیاء-تاریخ-حفظ الصحه-معلومات-سیاق
آقا میرزا علی قمشه	معلم	۵۰	ایرانی	عربی-تجوید-شرعیات
آقا جوادخان تاج بخش	معلم	۴۲	ایرانی	اخلاق
آقا نورالدین بهبهانی	معلم	۳۰	ایرانی	ورزش-جغرافیا-اشیاء-حفظ الصحه
آقا حسین آقا شیرازی	معلم	۲۵	ایرانی	تدریس کلاس‌های اول و رسم
آقاسیدحسین کاشانی	معلم	۳۰	ایرانی	تدریس کلاس تهیه شعبه ۱
آقامیرزا محمود لاهیجانی	معلم	۱۷	ایرانی	تدریس کلاسه تهیه شعبه ۲
میرزا حسن قمی فراش	فراش	۳۰	ایرانی	فراش مدرسه

همچنین، نشان علمی به مدیر مدرسه علوی ایرانیان در نجف و به میرزا حبیب‌الله‌خان عکاسباشی به واسطه تهیه نقشه سیاسی و عکس سلاطین ایرانی اعطا شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۹۴/۱۰۵۹۴).

۵. تأمین منابع مالی مدارس ایرانی در بین‌النهرین یکی از مسائل اساسی در بهبود مدارس وضعیت بودجه و تأمین منابع مالی آن است. مدارس ایرانی بین‌النهرین در دوره پهلوی یا به صورت مستقیم زیر نظر دولت ایران اداره می‌شد یا به صورت غیرمستقیم زیر نظر دولت فعالیت می‌کردند. بنابراین طبیعی بود که منابع مالی خود را نیز از طریق دولت ایران تهیه نمایند؛ اما در بعضی مقاطع این مدارس با کمبود بودجه مواجه می‌شد که مشکلاتی برای دانش‌آموزان و معلمان آن به وجود می‌آورد. یکی از مشکلات اساسی مدارس ایرانی بین‌النهرین نبود منابع عایداتی مشخص و ثابت بود. بحران مالی به قدری جدی بود که این مدارس تا آستانه انحلال هم پیش رفتند. البته، برخی از مدارس همچون مدرسه علوی در نجف، وضع نسبتاً بهتری داشتند؛ زیرا جمعیت خیریه ایرانیان در نجف که متشکل از تجار و اصناف ایرانی بود، به این مدرسه کمک می‌کردند. در بخشی از مرانامه آنها به همراهی و معاونت با معارف اشاره شده بود. این کمک‌ها عبارت بود از:

الف- تهیه البسه برای فقرای اطفال ایرانی در مدرسه علوی

ب- سعی در جمع‌آوری اعانه برای صندوق مدرسه علوی

ج- حفظ انتظام و تهیه لوازم تدریس در مدرسه علوی (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۰۴: ۳۵-۲۹-۱۳۰۴)

به همین خاطر، گزارش‌ها و درخواست‌های مکرری به مجلس شورای ملی و هیأت دولت می‌رسید که از کمبود بودجه و مشکلاتی مالی حکایت داشت و

در سال ۱۳۱۲ شمسی جمعی از ایرانیان مقیم عراق درباب بی‌کفایتی رؤسای مدارس ایرانی عریضه‌هایی نوشتند؛ اما سفارت نامه‌ای مبنی بر بی‌اساس بودن عریضه مزبور نوشت و این امر را تحریک و توطئه چندتن معرفی کرد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۲: ۳۱۰/۱۱۷۵). گاهی پیش می‌آمد که معلمان داخل کشور به دلیل وضعیت نامساعد و نامطلوب خود تقاضا داشتند تا به یکی از مدارس ایرانی بین‌النهرین منتقل شوند. برای نمونه، مدیر مدرسه دولتی در ورامین تقاضا و مکاتباتی با وزارت معارف ایران درخصوص انتقال محل خدمت وی به یکی از مدارس ایرانی در نجف و... انجام داده بود (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۲: ۲۹۷/۱۲۰۱۴).

۳. مجازات محصلان مدارس ایران

امر تعیم و تربیت در مدارس ایرانی بین‌النهرین بر اصول تشویق محصلین استوار بود؛ ولی گاهی هم برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود از تنبیه و مجازات استفاده می‌کردند که در نظامنامه مجازات محصلین مدارس ایرانی (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۶/۴۱۱۶۸) به صورت مفصل به این مسأله پرداخته شده و نحوه تنبیه و چگونگی استفاده از آن را توضیح داده بود (سند شماره ۲).

۴. تشویقات

در بعضی مواقع نشان‌ها و جوایزی به برخی از مدیران و معلمان مدارس ایرانی به جهت تلاش‌های آنها اعطا می‌شد که نمونه آن اعطای نشان لیاقت به باقر فهیمی، آموزگار دبستان اخوت ایرانیان در عراق بود (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۴: ۲۹۷/۱۶۵۷۹). «بر طبق فقره چهارم از ماده پانزدهم نظامنامه مدال و نشان علمی وزارت معارف نظر به مراتب لیاقت آقای میرزا باقرخان فهیمی، آموزگار دبستان اخوت ایرانیان در بین‌النهرین را به یک قطعه مدال علمی از درجه دوم نائل می‌دارد» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۴: ۲۹۷/۱۶۵۷۹).

راجع به وضعیت مدارس ایرانیان و لایحه استقرار عوارض تذکره برای تامین بودجه مدارس ایرانیان در عراق نگاشتند (همان، ۱۳۰۴: ۱۳۰۰/۳۱۰).

در کل، وضعیت مالی مدارس ایرانی بین‌النهرین تا سال ۱۳۰۶ ش. وضعیت مطلوبی نبود؛ اما بعد از سفر رضاشاه به عتبات و پیگیری‌های لازم وضعیت مدارس ایرانی نسبتاً مناسب گزارش شده است.

صورت مخارج و اضافات مدارس ایرانی بین‌النهرین که در بودجه سال ۱۳۰۶ ش گنجانده شده بود، به این شرح است:

اعانه که اضافه شود
ماهانه ۱۵۰۰ تومان
۱۰۰۰ تومان
۱۰۰۰ تومان
۵۰۰ تومان
۱۰۰۰ تومان (همان، ۱۳۰۶: ۳۸۳۸/۲۹۷)

پهلوی در بصره در سال ۱۳۰۶ ش. این گونه بود:

روپیه
۶۶ کرایه ماهیانه مدرسه
۳ مخارج آب
۱۶ مصارف متفرقه
۱۶ مصارف متفرقه

کنسولگری ایران در بصره در سال ۱۳۰۶ ش از وزارت امور خارجه برای کمک به مدرسه پهلوی و سامان دادن به وضع بحرانی آن درخواست کمک کرد. در این اطلاعیه آمده بود که: «...در هر صورت خیلی حیف است مدرسه‌ای که به زحمات زیاد و جگرخونی به اسم مدرسه ایرانی به وجود آمده، از بین برود و در

خواستار پرداخت اعانه به مدارس مزبور بودند؛ برای مثال در سال ۱۳۰۱ ش. ماده واحده مبنی بر پرداخت ماهیانه به مدارس ایرانیان در خارج از کشور؛ به‌ویژه عراق تصویب شد. (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۷۱۲۸: ۱۳۰۱/۲۹۷) یا اینکه در سال ۱۳۰۲ گزارشاتی در خصوص وضعیت مدارس ایران در بین‌النهرین، پرداخت اعانه به مدارس مزبور و بحران مالی و ... وجود دارد. (همان، ۱۳۰۲: ۴۱۱۷۲/۲۹۷)

در سال ۱۳۰۳ ش. بانک شاهنشاهی به‌عنوان اعانه مدارس ایران در بغداد، نجف، کاظمین و کربلا اقدام به ارسال برات نمود (همان، ۱۳۰۳: ۳۹۰۸۵/۲۹۷) یا اینکه در سال ۱۳۰۴ ش. ایرانیان مقیم عراق، عریضه‌ای

اعانه که از سابق دارند	مدرسه ایرانیان بغداد
۱۰۰۰ تومان	مدرسه ایرانیان کربلا
" ۱۰۰۰	مدرسه ایرانیان نجف
" ۱۰۰۰	مدرسه ایرانیان کاظمین
-----	مدرسه ایرانیان بصره

یکی از مدارس ایرانی بین‌النهرین که در خطر انحلال قرار داشت، مدرسه پهلوی در بصره بود. مخارج ماهیانه مدرسه

روپیه
۵۰ محمد قاسم خان نقشینه معلم اول
۵۰ عبدالباقی افندی ولد احمد
۵۰ عیسی افندی ولد علی
۱۵ فراش مدرسه

گزارش مدرسه پهلوی بصره که در سال ۱۳۰۷ ش. منتشر شده است، نشان می‌دهد که این مدرسه از کمبود حقوق معلمان در مضیقه است و خواستار اعزام فردی جهت مدیریت مدرسه، اعزام معلم، اعزام مفتش، تهیه لباس پیشاهنگی و تشکیل اکابر می باشد (همان، ۱۳۰۷: ۲۸۱۰۱/۲۹۷).

صورتی که در بصره غیر از حکومت تمام ملل از امریکایی و فرانسوی، یهودی و ارمنی همیشه از خود مدارس عالی داشته و دارند. پس دولت علیه نظر به کثرت اتباعی که در اینجا دارد، من باب اولی باید نه مدرسه ابتدایی؛ بلکه یک باب مدرسه عالی داشته باشد که در انظار سایر ملل اسباب افتخار باشد. البته، وجود یک همچو مؤسسه در بصره هم برای حفظ زبان و قومیت اتباع و هم برای توسعه نفوذ ایرانیت خیلی لازم؛ بلکه برای دولت از جمله واجبات است و به واسطه نداشتن مدرسه، غالب ایرانیانی که متوطن بصره شده‌اند، بچه‌های آنها به کلی عرب زبان درآمده و یک کلمه فارسی نمی‌دانند ... پس بهترین وسایل حفظ زبان و قومیت همان مدرسه می‌باشد (اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران؛ مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۱: ۲۷).

معلمان مدرسه پهلوی در بعضی اوقات چندین ماه حقوق دریافت نمی‌کردند و این مشکلات سبب آن شده بود که حتی مدرسه در خطر انحلال قرار بگیرد. مجموعه عوامل بر آن شد تا کنسولگری ایران در بصره در مورد تامین اعتبار و تعویض مدیر مدرسه پهلوی اقدام نماید. در تلگرافی که از سوی کنسولگری ایران در بصره رسیده بود، این گونه آمده بود: «...حاضر محترم مطمئن باشد که این کنسولگری حفظ شرافت نام مقدس پهلوی را در نظر دارد و حتی المقدور نخواهد گذاشت مدرسه بسته شود و فعلا نیز مدرسه دایر است. فقط تمنای مساعدتی که از طرف مستطاب عالی دارد، این است:

۱- هرچه زودتر یک نفر مدیر لایقی برای حسن اداره و سرپرستی مدرسه اعزام فرمایید.

۲- هر قدر ممکن است وجهی برای تامین مصارف مدرسه حواله فرمائید.

۳- محمدحسین پسر بغدی متصدی سابق مدرسه نظر

به اینکه متهم به اختلاس بوده و مدرسه را به طرز ناشایسته اداره می‌کرد اخیرا از دخالت در کار مدرسه ممنوع گردیده و بدین جهت در امور مدرسه اختلال نمایند...» (همان: ۴۲).

بحران مالی تاحدی جدی بود که کنسولگری ایران در بصره برای تامین بخشی از عواید مدرسه پهلوی اقدام بر نمایش فیلم سینمایی می‌نمود تا شاید بتواند یک سر و سامانی به وضعیت بحرانی خود بدهند (همان، ۵۵)؛ یا اینکه مهدی خراسانی از علمای بنام عراق نامه‌ای به حکومت ایران نوشت و از تاخیر در پرداخت حقوق معلمان ایرانی در عراق گلایه کرد. در بخشی از این نامه آمده است: «... فعلا متجاوز از دو ماه است حقوق معلمین مدارس دولت علیه ایران در بین‌النهرین نرسیده و از این جهت بعضی از معلمین استعفا نموده‌اند. این پیش‌آمد انعکاس بدی در انظار عموم تولید نموده و مورد بحث واقع گشته، جلب توجهات مخصوصه حضرت اشرف را در این خصوص می‌نماید.

یکی دیگر از مدارس ایرانی بین‌النهرین که از کمبود بودجه در مضیقه به سر می‌برد، مدرسه اخوت کاظمین بود. هیأت مدرسه اخوت ایرانیان کاظمین به مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۳ تلگرافی فرستادند و در آن از تأخیر پرداخت بودجه مدرسه مذکور شکایت کردند (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۰۳: ۱۳/۱/۱۳/۴۱/۵۳/۵).

نامه‌های هیأت مؤسس مدرسه شرافت ایرانیان از بغداد به مجلس شورای ملی مبنی بر درخواست تخصیص بودجه لازم از طرف دولت ایران جهت مرمت، بازسازی و تهیه امکانات و همچنین، تأسیس عمارت جدید مدرسه شرافت ایرانیان بغداد نیز خود گویای معضل اساسی این مدارس هستند که از کمبود بودجه و نداشتن ساختمان رنج می‌برده‌اند (همان، ۱۳۰۳: ۵/۱۵۴/۴۱/۱/۹۵). همچنین، مدیر این مدرسه نامه‌ای به مجلس شورای ملی می‌نویسد و از عدم رسیدگی

مدرسه شرافت در بغداد یک هزار روپیه  
مدرسه اخوت در کاظمین یک هزار روپیه  
مدرسه علوی در نجف اشرف یک هزار روپیه  
مدرسه حسینی در کربلا یک هزار روپیه  
مدرسه پهلوی در بصره یک هزار روپیه  
این درحالی بود که مدرسه شرافت در بغداد نه خانه داشت و نه اثاثیه و حتی فاقد وسایل ضروری تعلیم و تدریس بود؛ حتی کتاب و نقشه و آلات ورزش هم نداشت و آن هزار روپیه فقط در وجه معلمین که هرکدام چند ماه حقوق طلبکار بودند پرداخت شد. به همین خاطر، مدیر مدرسه شرافت ایرانیان بغداد تقاضایی مبنی بر ارسال کتب کلاسیک و اعزام چند نفر معلم جهت تدریس نموده بود (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۶: ۲۸۰۴۷/۲۹۷).

در گزارش کنسولگری ایران در بصره در باب مشکلات مالی مدارس ایرانی بین‌النهرین آمده است که این مدارس چند سالی از وجوهای اعانه اهل خیر اداره می شد؛ ولی به واسطه کساد تجارت و ضعف حال مردم آن اعانه‌ها قطع شده و مدارس مزبور در آستانه انحلال قرار دارند. در بخشی دیگر از این گزارش آمده بود که مدرسه شش کلاسه مانند شرافت بغداد که شش نفر معلم و یک نفر مدیر لازم دارد، با دو بیست و شصت روپیه در ماه چگونه اداره شود؟ این مدرسه علاوه بر این، به واسطه قلت عایدات، گذشته از این که از نگاه داشتن معلم لایق عاجز است، نمی‌تواند اثاثیه درستی برای خود تهیه کند؛ حتی لوازم تدریس از قبیل کتاب و نقشه‌جات نیز ندارد و در کثیف‌ترین محلات و محقرترین خانه‌ها واقع شده است. به همین خاطر، کنسولگری درخواست می‌کند که برای تکمیل نواقص و حسن اداره مدرسه بغداد کمک خرجی مکفی مقرر فرمایند. در ضمن، نظر به استفاده معنوی که دولت ایران از این مدرسه‌ها داشت، دادن چهارصد تومان در

مسئولان دولتی ایران به مدرسه مذکور که در حال متلاشی شدن است، شکایت می‌کند. وی در این نامه متذکر می‌شود که هرچه سریع‌تر بودجه لازم را تصویب نمایند (همان، ۱۳۰۳: ۴۰۲/۶۷/۴۷۷).  
مدیران مدارس ایرانی بین‌النهرین در سال ۱۳۰۵ درخواست مساعدت های مالی از مجلس شورای ملی داشتند تا بتوانند مخارج خود را تامین نمایند و درصدد رفع نواقص مدارس برآیند (همان، ۱۳۰۵: ۶/۵۴/۲۵/۱/۱).

همچنین، نامه‌ای به امضای میرزا حسن خان محتشم السلطنه، وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به مجلس شورای ملی مبنی بر پیشنهاد اختصاص ماهیانه صد تومان به عنوان اعانه به هر یک از مدارس ایرانی در بغداد، نجف و کربلا وجود دارد که نشان می‌دهد وی بر این عقیده بود که برای ابقای این مدارس که نشانگر و سنبل کشور ایران است، باید رسیدگی مطلوبی انجام شود والا ممکن است این مدارس به خاطر مشکلات مالی منحل شوند که میرزا حسین خان موتمن‌الملک (پیرنیا) رئیس مجلس به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه جواب می‌دهد که باید در تقاضایی از آن مبنی بر ارائه پیشنهاد به طرز لایحه قانونی و ارسال آن به مجلس بعد از امضای رئیس دولت عمل نماید (همان، شماره بازیابی ۶۰/۲/۶/۸/۴ق).

بر اثر این پیگیری‌ها هیأت وزرا درخصوص لایحه تامین بودجه مدارس ایرانیان در بین‌النهرین در سال ۱۳۰۶ ش. موافقت نمود تا این مدارس بتوانند سروسامانی به وضعیت خود بدهند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۶: ۳۸۲۶۶/۲۹۷).

در سال ۱۳۰۶ ش پنج هزار روپیه اعانه به مدارس ایرانیان در عراق اعطا شد، که این مبلغ به نسبت زیر بین مدارس تقسیم شده بود.

۵. مدرسه ایرانیان بغداد  
 اعتبار حقوق مدیر و معلم ۱۵۵۵ تومان  
 فراش ۱۱۰ "  
 مخارج متفرقه ۵۰ "  
 اعتبار کرایه ۴ مدرسه در ماه ۱۴۵۰ "  
 در سال ۱۳۱۱ ش. به منظور کمک به مدارس ایرانی بین‌النهرین مهدی‌قلی هدایت، رئیس‌الوزراء و حسن تقی‌زاده، وزیر مالیه و یحیی قراگزلو، وزیر معارف و اوقاف به مجلس شورای ملی نامه‌ای مبنی بر ارائه ماده واحده ای راجع به اجازه پرداخت کسر بودجه ۱۳۱۱ ش. مدارس ایران در بین‌النهرین نوشتند. در ماده واحده آمده بود که وزارت مالیه مجاز است مبلغ شصت هزار ریال کسر اعتبار بودجه سال هزار و سیصد و یازده مدارس ایران در بین‌النهرین را از محل صرفه‌جویی‌های پنج ماه و نیم اول سال ۱۳۱۱ ماده ۴۹ از فصل سوم قسمت اول (اعتبار تکمیل و تأسیس مدارس) بودجه هذه‌السنه وزارت معارف تأدیه نماید. این قانون که مشتمل بر یک ماده است، در جلسه پنجم آبان ماه یک هزار و سیصد و یازده شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۱۱: ۱۳/۸/۸۵/۳۹/۲ ق) و این به اضافه شدن بودجه مدارس دولتی ایران در بین‌النهرین منجر گردید (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۲: ۳۱۰/۱۱۹۶).

#### نتیجه

تأسیس مدارس ایرانی در خارج از کشور نقش مهمی در ترویج فرهنگ و زبان کشور داشته است. دولت پهلوی اول با تمرکز قدرت سیاسی و تدوین ایدئولوژی ملی برای نوسازی، زمینه‌ها و بسترهایی را فراهم نمود. در این دوره برای پیشرفت کشور، کسب دانش و فراگیری علوم در اولویت قرار داشت. در همین راستا، وزارت معارف با تدوین برنامه‌های یکپارچه ملی و

ماه اهمیت زیادی نمی‌توانست داشته باشد (اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران؛ مرکز اسناد ریاست جمهوری ۱۳۸۱: ۲۳).

صورت بودجه مدارس ایرانی بین‌النهرین در سال ۱۳۰۸ ش. (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۸: ۳۲۹۳۸-۲۹۷)

مدرسه اخوت کاظمین. مدرسه علوی نجف ۶۹۰۰ تومان  
 مدرسه حسینی کربلا. مدرسه شرافت بغداد ۶۰۰۰ تومان  
 مدرسه پهلوی بصره ۶۰۰۰ تومان  
 حقوق نماینده معارف در بین‌النهرین و اعزام معلم از مرکز و کمک خرج محصلین که به طهران اعزام می‌شوند ۵۰۰۰

صورت بودجه مدارس ایرانی بین‌النهرین در سال ۱۳۰۹ ش. (همان، ۱۳۰۹: ۳۲۹۳۸-۲۹۷)

۱. مدرسه اخوت کاظمین  
 اعتبار حقوق مدیر و معلم ۳۷۳۰ تومان  
 اعتبار حقوق مستخدمین ۲۰۰ "  
 مخارج متفرقه ۸۰ "  
 ۲. مدرسه علوی نجف  
 اعتبار حقوق مدیر و معلم ۳۲۰۰ تومان  
 اعتبار حقوق مستخدمین ۲۰۰ "  
 مخارج متفرقه ۷۵ "  
 ۳. مدرسه حسینی کربلا  
 اعتبار حقوق مدیر و معلم ۲۷۵۰ تومان  
 اعتبار حقوق مستخدمین ۲۰۰ "  
 مخارج متفرقه ۶۰ "  
 ۴. مدرسه پهلوی بصره  
 اعتبار حقوق مدیر و معلم ۲۳۰۰ تومان  
 اعتبار حقوق مستخدمین ۱۱۰ "  
 مخارج متفرقه ۷۰ "

نظارت دقیق و مستمر، به توسعه کمی و کیفی مدارس جدید پرداخت. بخشی از این مدارس، در خارج از ایران بودند. مدارس ایرانی عراق زیر نظر دولت ایران اداره می‌شد. در این مدارس تعداد زیادی از دانش‌آموزان ایرانی مقیم عراق به تحصیل می‌پرداختند. تا قبل از دوره پهلوی اول این مدارس از لحاظ آموزشی و مالی وضعیت مطلوبی نداشتند، تا این که بعد از سفر رضاشاه به عراق با کمک مالی و پرداخت بودجه از وضعیت بهتری برخوردار شدند. بررسی برخی اسناد مدارس بین‌النهرین نشان می‌دهد که این مدارس در مواردی بسیاری دچار مضیقه مالی بوده‌اند؛ به گونه‌ای که از کمبود بودجه، کتاب درسی و معلم رنج می‌بردند. به همین منظور، مدیران و مفتشان مدارس ایرانی از وزارت معارف تقاضای معلم و کتاب برای تدریس داشتند. اگرچه این مدارس از کمبود بودجه در مضیقه به سر می‌بردند؛ اما این مدارس نقش مهمی در ترویج زبان و ادب فارسی داشتند.

### منابع

-----، شناسه سند ۲۹۷/۱۰۵۹۴  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۱۷۱۲۸  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۴۱۱۷۲  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۳۹۰۸۵  
 -----، شناسه سند ۳۱۰/۱۲۰۰  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۳۸۳۸۴  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۲۸۱۰۱  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۳۸۲۶۶  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۲۸۰۴۷  
 -----، شناسه سند ۲۹۷-۳۲۹۳۸  
 -----، شناسه سند ۳۱۰/۱۱۹۶  
 -آرشیو مرکز اسناد تاریخی وزارت خارجه، پرونده شماره ۱-۲۳-۱۲-۱۳۳۱ق.  
 -----، پرونده شماره ۶۷-۳۳-۱۳۰۲  
 -----، پرونده شماره ۶۷-۲۸-۳۲-۱۳۰۱  
 -----، پرونده شماره ۳۱-۲۰-۱۲-۱۳۳۱ق.  
 -----، پرونده شماره ۱-۲۳-۱۲-۱۳۳۱ق.  
 -----، ۱۳۱۷ ش، کارتن ۱۶. پوشه ۱۱  
 -----، پرونده ۳۰۸-۲۶-۱۳۱۱  
 -----، پرونده شماره ۳۵-۲۹-۱۳۰۴  
 -----، ۱۳۱۷ ش، کارتن ۱۶. پوشه ۱۱  
 - آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازبایی ۵/۱۵۳/۴۱/۱/۱۳  
 -----، شماره بازبایی ۵/۱۵۴/۴۱/۱/۹۵  
 -----، شماره بازبایی ۴/۷۷/۴۰/۲/۶۷  
 -----، شماره بازبایی ۶/۵۴/۲۵/۱/۱  
 -----، شماره بازبایی ۸/۸۵/۳۹/۲/۱۳ق  
 -----، شماره بازبایی ۱/۱۳/۵/۱۵۳/۴۱  
 -----، شماره بازبایی ۵/۱۵۴/۴۱/۱/۹۵  
 -----، شماره بازبایی ۴/۷۷/۴۰/۲/۶۷  
 -----، شماره بازبایی ۶/۵۴/۲۵/۱/۱  
 -----، شماره بازبایی ۴/۸/۶/۲/۶۰ق

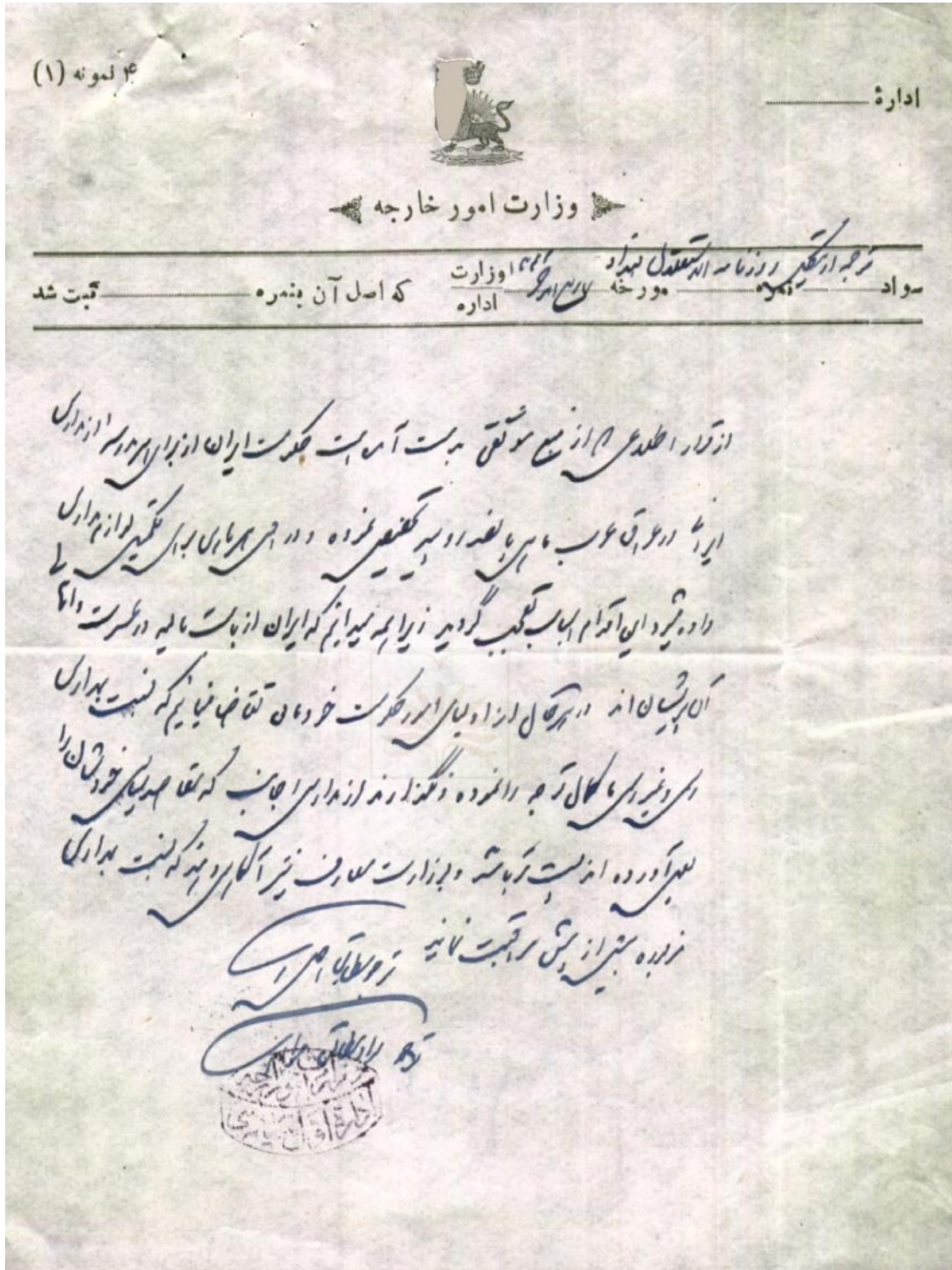
- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۷/۱۶۵۷۹  
 -----، شماره سند ۲۹۷/۳۸۳۸۴  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۱۶۵۷۹  
 -----، شناسه سند ۲۹۷-۳۲۹۳۸  
 -----، شماره سند ۲۹۷/۴۱۱۷۳  
 -----، شماره سند ۲۹۷/۳۹۴۴۹  
 -----، شماره سند ۲۹۷/۲۸۰۴۸  
 -----، شماره سند ۲۹۷/۳۹۰۸۳  
 -----، شماره سند ۲۹۷/۱۹۷۰۳  
 -----، شناسه سند ۳۱۰/۱۱۷۵  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۱۲۰۱۴  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۴۱۱۶۸  
 -----، شناسه سند ۲۹۷/۱۶۵۷۹

- احتشام السلطنه. (۱۳۶۷). *خاطرات احتشام السلطنه*، تهران: زوار.
- اسناد و مدارک قدیم، حاج میرزا حسن رشدی، راهنمای کتاب، س ۲۱، ش ۱۲-۸.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۷۸). اسنادی از مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- دولت آبادی، یحیی. (۱۳۶۲). *حیات یحیی*، ج ۱، تهران: عطار و فردوسی.
- دیگار، ژان پیر. (۱۳۷۷). *ایران در قرن بیستم*، ترجمه هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- رشدی، شمس‌الدین. (۱۳۶۲). *سوانح عمر*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- سرمد، غلامعلی. (۱۳۷۲). *اعزاز محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه*، تهران: نشر بنیاد.
- صدیق، عیسی. (۱۳۱۹). *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران، سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا. (۱۳۷۹). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۱۰، تهران: اساطیر.
- کوهستانی نژاد، مسعود. (۱۳۸۴). *چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم*، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه.
- مخبرالسلطنه هدایت، مهدی قلی خان. (۱۳۶۴). *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری. (۱۳۸۱). *اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نعمتی، نورالدین و ادوای، مظهر. (۱۳۹۲). *مدارس کلیمیان و نظام نوین آموزش ملی در ایران*، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۵، ش ۲، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۵۳-۱۷۲.

#### روزنامه‌ها

- *اطلاعات*، س ۵، ۲۹ مرداد ۱۳۰۹، ص ۲
- ، س ۵، ش ۱۲۹۴، ۲۲ فروردین ۱۳۱۰، ص ۲
- ، س ۵، ش ۱۳۱۲، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۰، ص ۲





سند شماره ۱- واکنش دولت عراق نسبت به کمک دولت ایران به مدارس ایرانی

## اصول انتظام

یا

نظامنامه مجازات محصلین مدارس ایران

(نمره) در بین النهرین (۱)

- ۱- چون امر تربیت و تعلیم در مدارس ابتدائی (بطور عمم) باید بر اصل تشویق محصلین استوار گردد و ائمان را با این نظر بجانب هر خیر و صلاحی متوجه گردانند لذا بر مدیران و معتمدین مدارس لازم است که همواره نقطه نظر حقیقی خود را با تشویق و ترغیب شاگردان خود پیش تأمین کرده و تا آخرین درجه امکان سعی نمایند که در انجام مطالب خود احتیاجی به زجر و تنبیه شاگردان باقی نماند - ولی چون ممکن است که بعضی اوقات برای پیشرفت مقاصد تربیتی خورا ناچار با اتخاذ وسائل زجر و تنبیه بیایند از این روی لازم گردید مقررات ذیل را در موضع مجازات و تنبیه محصلین یاد آور بشود .
- ا - موقتا نظرات انتقادات و محبت بجانب طفل مقصر نمایند .
- ب - اگر در کلاس درس یا صف آرائی در حیاط مدرسه جای او مقدم بر دیگران باشد موخر قرار دهند .
- ج - بطوریکه دیگران مطلع نشوند (منفردا) او را توبیخ نمایند .
- د - تا مدتی در کلاس یا خارج آن وی را مأمور بایستادن گردانند .
- هـ - در صورتی که مصدر خلاف بزرگی شود او را در حضور همدرسان یا در مقابل عموم شاگردان مدرسه توبیخ نمایند .
- و - اسم او را بمقتضای درجه تحصیل (تا چند ساعت یا چند روز) بر لوحه توبیخ ثبت نمایند .
- ز - تا مدتی او را دیرتر از سایرین مرخص کنند .
- ح - از بازی و جست‌خیز تنفس محرم گردانند .
- ط - با احتیاط بوی اجازه خروج از کلاس را نداده او را در بجا آوردن تکالیف کتبی مخصوص مجبور سازند .
- ی - تا مدتی که (انار صلاح از وی هویدا نشده) او را از شرکت در کارهای مدرسه بخشای که دیگران بجا میآورند محرم دارند .
- ک - در صورت اقتضا او را بطور موقتی (اخراج موقت) اجازه ورود بمدرسه ندهند .
- ل - او را با خروج از مدرسه اخطار نمایند .
- م - در موقتی که مصدر شرارت یا ارتکاب خطای بسیار بزرگی واقع شود او را از مدرسه اخراج دائمی (طرده) کرده و خطای او را که باعث اخراج وی شده است بطور متحد المال بمسئولین مدارس ابتدائی حوزه مدرسه وی ابلاغ نمایند .
- ۲- هر محصلی میتواند کلیه مواد مجازات مذکور فوق را شخصا بجا آورد ولی برای اجرای مواد سه گانه اخیر که عبارت از ماده (ک - ل - م) باشد لازم است پیشتر مدیر مراجعه نمایند .
- ۳- مجازات اخراج موقتی (با در نظر گرفتن شروط ذیل) از طرف مدیر اجرا میگردد .



- ۲ -

- ۱ - با اطلاع و حصول رأی اکثریت مسلمین مدرسه
- ب - استحضار ولی طفل و قنصلگری محل و سرپرستی مدارس
- ج - مدت اخراج موقتی متجاوز از (۱۰) روز نخواهد شد
- ۴ - برای اخراج دائمی (گذشته از شرایط مذکور فوق) لازم است شرح قضیه و دلائلی که اخراج دائمی مرتکب را ایجاب کرده با اداره سرپرستی رابرت داده و پس از موافقت اداره مزبور اجرا گردد
- ۵ - در مواقعی که اخراج موقتی لازم میگردد
  - ۱ - زبان درازی و جسارت نسبت به معلم
  - ب - استعمال مسکرات و در درجه دوم دخانیات
  - ج - مشاجره و زد و خورد هائیکه (مکرر در مکرر) از یک محصلی نسبت به دوستانش بروز نماید
- ۶ - در مواقعی که اخراج (طرد) دائمی لازم میشود
  - ۱ - در صورتیکه یک محصل معلم خود را کتک بزند یا با او زد و خورد نماید
  - ب - یا یکی از دوستان خود را عمداً زخم بزند
  - ج - یا مرتکب عمل شومی گردد
  - د - یا از روی دلائل بسیار ثابت شود که وجود او در مدرسه خطرناک یا اخلاق نامیده او اصلاً قابل اصلاح نیست
- ۷ - مجازات بدنی که عبارت از ضرب (جوب - سیلی - لگد) باشد در مدارس ممنوع است و اگر اجرا چنین مجازاتی احیاناً مقتضی بشود انرا موقوف بشخص مدیر نمایند
- ۸ - در مواقعی که عادات محیط یا مقتضیات دیگر مجازات بدنی را ایجاب نماید لازم است کسبه با رعایت مقررات ذیل اجرا گردد
  - ۱ - مقصد حقیقی اصلاح اخلاق نه انتقام از طفل باشد
  - ب - مجازات مزبور نه برای درس بلکه از جهت اخلاق باشد
  - ج - در اجرای مجازات بیژن جوب وسیله دیگری اتخاذ نشود
  - د - ضربت های جوب متجاوز از شش عدد نشود
  - ه - مجازات را با حال غضب بجا نیاورند
  - و - عدد ضربتها متناسب با تقصیر خلاف کننده بوده باشد
  - ز - مقصود در ضمن اجرای مجازات توبین نمایند
  - ح - حتی الامکان مجازات بدنی را دور از انظار دیگران مجرای دارند مگر آنکه در علنی بودن مسلحتی ملاحظه شود
  - ط - هیچ محصلی را نمی توان بجهت این که توجه بدرس ندارد یا مراعات نظم نمیکند در موع درس از کلاس خارج نمود
- ۱۰ - مقررات این نظامنامه مطابق است با ماده (۷۸) از فصل اول نظامنامه مدارس ابتدائی متوسطه دولتی ایران مصوبه ۱۲۹۹/۲/۱۴ و ماده (۲۸) از قانون اساسی مصوبه ۱۲۹۰/۷/۹ شمسی و اصول تربیتی دیگر
- ۱۱ - مدیران محترم مدارس ایران در بین التمهین عهده دار اجرای آنها هستند

سرپرست مدارس ایران در بین التمهین

ک/ث

